

Lived Experience of Female Heads of Households about the Meaning

Article Info

Authors:

Elaheh Shahini¹,
Fatemeh Javadzadeh
Shahshahani^{2*}

Keywords:

Meaning of life, women, head
of household.

Article History:

Received: 2024-11-11

Accepted: 2025-05-08

Published: 2025-05-22

Correspondence:

Email:

javadzadeh@iaukhsh.ac.ir

Abstract

Purpose: Many theorists believe that finding the meaning of life is one of the most important human needs. Numerous studies have also shown the positive effects of meaningful life on physical and psychological health. Therefore, the aim of the present study is to explore the meaning of life in female heads of households.

Methodology: The present study, by adopting a qualitative approach and using in-depth and semi-structured interview techniques and with regard to theoretical saturation, examined the meaning of life in this group with 15 female heads of households in Isfahan.

Findings: using qualitative coding, 70 initial codes were extracted and divided into 10 main categories. These categories included concepts such as "personal growth", "family relationships", "personal goals", "religious and spiritual concepts", "economic problems", "social support" and other relevant themes. The results showed that the meaning of life for individuals mainly depends on individual and social factors and most people search for the meaning of life in family relationships and personal progress. In addition, economic difficulties and lack of social support are among the most important barriers to finding meaning in life.

Conclusion: The present study is consistent with previous research and emphasizes the importance of considering different dimensions of meaning in psychological and social programs. Limitations of this study include limited sampling and lack of generalizability to the broader community, which will be considered in future research.

1. PhD student, Counseling Department, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University, Khomeini Shahr Branch, Isfahan, Iran.
2. Assistant Professor, Counseling Department, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University, Khomeini Shahr Branch, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از معنای زندگی^۱

الهه شاهینی^۲، فاطمه جوادزاده شهشهانی^{۳*}

چکیده

هدف: بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند یافتن معنای زندگی یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان‌هاست. پژوهش‌های متعدد نیز آثار مثبت معنادار بودن زندگی در سلامت جسمانی و روانشناختی را نشان داده‌اند. از این رو هدف پژوهش حاضر واکاوی معنای زندگی در زنان سرپرست خانوار می‌باشد.

روش: مطالعه حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه ساختاری و با عنایت به اشباع نظری با ۱۵ نفر از زنان سرپرست خانوار شهر اصفهان به بررسی معنای زندگی در این گروه پرداخته است.

یافته‌ها: با استفاده از کدگذاری کیفی، ۷۰ کد اولیه استخراج و به ۱۰ دسته‌بندی اصلی تقسیم گردید. این دسته‌بندی‌ها شامل مفاهیمی مانند «رشد فردی»، «روابط خانوادگی»، «اهداف فردی»، «مفاهیم دینی و معنوی»، «مشکلات اقتصادی»، «حمایت اجتماعی» و دیگر مضامین مربوطه بودند. نتایج نشان داد که معنای زندگی برای افراد عمدتاً به عوامل فردی و اجتماعی بستگی دارد و بیشتر افراد معنای زندگی را در روابط خانوادگی و پیشرفت شخصی جستجو می‌کنند. علاوه بر این، مشکلات اقتصادی و فقدان حمایت اجتماعی از مهم‌ترین موانع در یافتن معنا در زندگی هستند.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات پیشین هم‌راستا است و بر اهمیت توجه به ابعاد مختلف معنای زندگی در برنامه‌های روان‌شناختی و اجتماعی تأکید دارد. محدودیت‌های این پژوهش شامل نمونه‌گیری محدود و نبود قابلیت تعمیم به جامعه وسیع‌تر می‌باشد که در پژوهش‌های آینده قابل توجه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، زنان، سرپرست خانوار. *پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول می‌باشد.

^۲ دانشجوی دکترای تخصصی گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران

^۳ استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

javadzadeh@iaukhsh.ac.ir

مقدمه

زنان سرپرست خانوار، به عنوان گروهی که بار سنگین مسئولیت تأمین معیشت، مدیریت خانواده و ایفای نقش‌های چندگانه اجتماعی و خانوادگی را در شرایط پیچیده و اغلب نابرابر بر دوش می‌کشند، تجارب زیسته‌ای عمیق و چندوجهی از معنای زندگی دارند که تحت تأثیر عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و حتی معنوی شکل می‌گیرد. (Abbaszaadeh et al., 2020)

معنای زندگی، مفهومی بنیادین در روان‌شناسی مثبت‌نگر، به درک افراد از هدفمندی، ارزشمندی و جهت‌گیری وجودی در زندگی اشاره دارد و به عنوان عاملی کلیدی در تقویت تاب‌آوری، مقابله با فشارهای روانی و ارتقای بهزیستی روان‌شناختی شناخته می‌شود. (Frankl, 2020; Ryan & Deci, 2019)

زنان سرپرست خانوار در ایران، که اغلب به دلایلی نظیر فوت همسر، طلاق، جدایی، یا ترک خانواده توسط مردان به این جایگاه رسیده‌اند، با چالش‌های چندلایه‌ای مواجه‌اند که شامل فشارهای اقتصادی فزاینده، تبعیض‌های جنسیتی ساختاری، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، و مسئولیت‌های سنگین تربیت فرزندان و مدیریت بحران‌های خانوادگی است. (Mohammadi et al., 2022)

این شرایط، تجربه آن‌ها از معنای زندگی را به گونه‌ای منحصربه‌فرد و متمایز از سایر گروه‌های اجتماعی شکل می‌دهد و پرسش‌هایی عمیق درباره چگونگی بازتعریف معنا در بستر این چالش‌ها ایجاد می‌کند. با وجود اهمیت روزافزون این موضوع در حوزه‌های مطالعات زنان، روان‌شناسی اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی، پژوهش‌های موجود در ایران کمتر به صورت عمیق و کیفی به بررسی تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار در زمینه معنای زندگی پرداخته‌اند و عمده مطالعات بر جنبه‌های کمی یا توصیفی متمرکز بوده‌اند. (Hosseini et al., 2021)

برای مثال، مطالعه Hosseini et al. (2021) نشان داد که حمایت اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی می‌توانند به تقویت ادراک زنان سرپرست خانوار از معنای زندگی کمک کنند، در حالی که پژوهش‌های بین‌المللی، مانند مطالعه Smith et al. (2023)، بر نقش معنویت، باورهای دینی و ارتباطات اجتماعی در ایجاد حس هدفمندی در زنان سرپرست خانوار تأکید کرده‌اند. با این حال، خلأ مطالعات کیفی با رویکرد پدیدارشناختی که به طور خاص به تجربه‌های زیسته این زنان در زمینه معنای زندگی در بستر فرهنگی و اجتماعی ایران بپردازد، به وضوح مشهود است. این شکاف پژوهشی، ضرورت انجام پژوهشی عمیق و متمرکز را برجسته می‌سازد که بتواند به صدای این گروه از زنان، که اغلب در گفتمان‌های اجتماعی و علمی به حاشیه رانده شده‌اند، گوش فرا دهد و تجارب آن‌ها را به صورت نظام‌مند و علمی تحلیل کند.

دغدغه اصلی محقق در این پژوهش، فراتر از تولید دانش آکادمیک، ریشه در ابعاد انسانی و اخلاقی دارد؛ این که چگونه زنان سرپرست خانوار، در مواجهه با محدودیت‌های ساختاری و فشارهای روزمره، معنای زندگی را بازسازی و بازتعریف می‌کنند؟ این پرسش نه تنها از منظر علمی، بلکه از منظر مسئولیت اجتماعی و انسانی نیز برای محقق اهمیت دارد، زیرا درک عمیق‌تر از تجارب این زنان می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها از طریق طراحی مداخلات اجتماعی، روان‌شناختی و سیاست‌های حمایتی مؤثر کمک کند.

اهمیت این پژوهش از چند منظر قابل توجه است: نخست، زنان سرپرست خانوار به عنوان ستون‌های اصلی خانواده و جامعه، نقش محوری در حفظ ثبات اجتماعی و تربیت نسل آینده دارند، و حمایت از آن‌ها نیازمند شناخت دقیق نیازها و تجاربشان است؛ دوم، معنای زندگی به عنوان یک سازه روان‌شناختی، می‌تواند به عنوان یک منبع درونی برای مقابله با استرس‌های مزمن و افزایش تاب‌آوری عمل کند، و بررسی آن در این گروه می‌تواند به توسعه رویکردهای درمانی و مشاوره‌ای منجر شود؛ سوم، نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی کمک کند تا برنامه‌های هدفمندی برای کاهش نابرابری‌ها و توانمندسازی این زنان طراحی کنند.

از منظر ضرورت، این پژوهش به دلیل کمبود مطالعات کیفی در این حوزه و نیاز مبرم به شنیدن روایت‌های زیسته زنان سرپرست خانوار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف اصلی این مطالعه، کاوش تجربه زیسته زنان سرپرست

خانوار از معنای زندگی با استفاده از رویکرد پدیدارشناختی است تا از این طریق، ضمن غنابخشی به دانش موجود در حوزه مطالعات زنان و روان‌شناسی اجتماعی، زمینه‌ای برای طراحی مداخلات اجتماعی و روان‌شناختی مؤثر و حمایت‌های ساختاری از این گروه فراهم آورد.

این پژوهش در پی آن است که با تحلیل عمیق و نظام‌مند تجارب این زنان، به درک بهتری از چگونگی شکل‌گیری معنای زندگی در بستر چالش‌ها، منابع و محدودیت‌های زندگی روزمره آن‌ها دست یابد و از این طریق، به ارتقای آگاهی اجتماعی و علمی درباره وضعیت این گروه کمک کند.

مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش بر اساس چندین نظریه کلیدی در حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات جنسیتی شکل می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین این نظریات، نظریه معنای زندگی است که به بررسی چگونگی درک انسان از هدف و ارزش‌های زندگی می‌پردازد. ویکتور فرانکل، روانشناس اتریشی و بنیان‌گذار مکتب لوگوتراپی، معتقد است که معنای زندگی می‌تواند به عنوان یک منبع قدرت برای مقابله با مشکلات عمل کند و افراد را در مواجهه با چالش‌ها تقویت کند. (Frankl, 2020) او بر این باور است که وجود معنای زندگی می‌تواند به افزایش احساس رضایت و خوشبختی کمک کند.

نظریه تاب‌آوری نیز در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد. تاب‌آوری به توانایی فرد برای مقابله با فشارها و چالش‌های زندگی اشاره دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تاب‌آوری می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی در برابر مشکلات روانی عمل کند و به افراد کمک کند تا با وجود شرایط سخت، معنای زندگی خود را حفظ کنند. (Chen et al., 2017) همچنین، نظریه حمایت اجتماعی نیز در این زمینه اهمیت دارد. حمایت اجتماعی به شبکه‌های حمایتی اطلاق می‌شود که افراد در زمان نیاز به آن‌ها دسترسی دارند. تحقیقات نشان داده‌اند که وجود حمایت اجتماعی قوی می‌تواند به افزایش احساس ارزشمندی و رضایت از زندگی کمک کند. (Donnelly et al., 2017)

علاوه بر این، تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که زنان سرپرست خانوار با چالش‌های خاصی در زمینه اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند. برای مثال، مطالعه‌ای توسط Goldin (2023) نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار در آمریکای لاتین به دلیل عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و بار مسئولیت‌های خانوادگی، با فقر بیشتری مواجه هستند. این موضوع نیاز به بررسی دقیق‌تر وضعیت این زنان را ایجاب می‌کند.

پیشینه پژوهش در زمینه زنان سرپرست خانوار نشان‌دهنده توجه فزاینده محققان به چالش‌ها و نیازهای این گروه است. یکی از مطالعات مهم در این زمینه توسط Abedi و Kiani (2020) انجام شده است که رابطه معنای زندگی با تاب‌آوری و تحمل در زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری و تحمل می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌های معنای زندگی در این گروه از زنان باشند. تحقیق دیگری توسط Sharifi (2022) انجام شده است که تأثیر باورهای فرهنگی بر معنای زندگی زنان سرپرست خانوار را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که باورهای فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری معنای زندگی این زنان ایفا کنند و ممکن است به عنوان موانع یا تسهیل‌کننده‌هایی برای دستیابی به یک زندگی معنادار عمل کنند. همچنین، مطالعه‌ای توسط Ahmadi (2022) بر روی نقش معنای زندگی در سلامت روان زنان سرپرست خانوار انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که داشتن معنای زندگی مثبت می‌تواند به کاهش مشکلات روانی و افزایش کیفیت زندگی این زنان کمک کند.

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی نیز به بررسی وضعیت زنان سرپرست خانوار پرداخته‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای توسط Bastidas (2021) نشان داده است که مادران تنها در آمریکای لاتین با چالش‌های اقتصادی قابل توجهی روبرو هستند و بسیاری از آن‌ها برای تأمین نیازهای اولیه خانواده خود با مشکلات جدی مواجه‌اند. همچنین، تحقیقاتی مانند آنچه توسط Costa (2023) انجام شده، ارتباط بین حمایت اجتماعی و توانمندی اقتصادی مادران تنها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

با وجود این تحقیقات، هنوز خلاءهای پژوهشی قابل توجهی وجود دارد. بسیاری از مطالعات بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی یا اجتماعی تمرکز دارند و کمتر به ابعاد روانشناختی و معنایی زندگی پرداخته‌اند. بنابراین، نیاز به تحقیقات بیشتری برای درک عمیق‌تر وضعیت زنان سرپرست خانوار و ارائه راهکارهای مؤثر برای حمایت از آن‌ها احساس می‌شود.

روش

Merleau-Ponty (2005) معتقد است که برای شناخت جهان باید به تجربه زیسته و به خود اشیا بازگردیم؛ زیرا انسان در مقام سوژه نمی‌تواند فارغ از زمان و مکان باشد. تجارب او، تجارب جهان است و جهان به تجارب او معنا می‌بخشد. (Ghanbari, 2017) در این پژوهش نیز از این نظر که هدف اصلی، واکاوی تجربه زیسته زنان از معنای زندگی است، از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. محدوده زمانی این مطالعه، پاییز ۱۴۰۳، گستره آن، شهر اصفهان و شرکت‌کنندگان زنانی بودند که به علت فوت، بیماری، طلاق، مهاجرت، زندانی شدن همسر، ازدواج نکردن و در نهایت داشتن همسری بی‌کفایت، هم‌اکنون سرپرست خانوارند. در این پژوهش انتخاب شرکت‌کنندگان به شیوه هدفمند و با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری ملاکی و با بیشینه پراکنش انجام شد؛ بنابراین در ابتدا لازم بود ملاک‌هایی به منظور انتخاب افراد شرکت‌کننده تعیین شود تا بر اساس آن شرکت‌کنندگان به صورت هدفمند انتخاب شوند. نتایج مطالعه Yousefi (2009) نشان می‌دهد در شهر اصفهان، به دلیل تنوع فرهنگی و اجتماعی بالا، سیال بودن جمعیت شهری و نقل و انتقالات فرهنگی ناشی از سفرهای توریستی و تفریحی، جدایی‌گزینی‌های اجتماعی در آن کاملاً رویت‌شدنی است. بر همین اساس نیز ملاک‌هایی برای ورود و خروج شرکت‌کنندگان در این پژوهش تعیین شد. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش عبارت بودند از: (۱) سکونت در شهر اصفهان در ۵ ساله اخیر؛ (۲) سابقه سرپرستی به مدت حداقل ۵ سال؛ (۳) دارا بودن حداقل تحصیلات ابتدایی؛ (۴) واجد حداقل ۲۵ سال و حداکثر ۵۰ سال سن. همچنین ملاک‌های خروج عبارت بود از: (۱) سکونت‌نداشتن دائم در شهر اصفهان در طی ۵ ساله اخیر؛ (۲) سابقه سرپرستی کمتر از ۵ سال؛ (۳) فقدان تحصیلات؛ (۴) سن کمتر از ۲۵ سال و بیشتر از ۵۰ سال. از سویی، با توجه به اینکه هدف این مطالعه احصای ادراک معنای زندگی تمامی زنان سرپرست خانوار با حداکثر پراکنش بود، شرکت‌کنندگان نیز از سطوح گوناگون طبقات منزلت اجتماعی شهر اصفهان انتخاب شدند. این در حالی است که به منظور دستیابی به مضامین ادراک شرکت‌کنندگان از معنای زندگی، بر اساس تجارب زیسته آنان، منبع اصلی داده‌ها، گفت‌وگوهای عمیق در قالب مصاحبه نیمه‌ساختارمند با شرکت‌کنندگان بود. پر واضح است که در انتخاب شرکت‌کنندگان، ملاحظات اخلاقی پژوهش (رضایت آگاهانه و آزاد، رعایت حریم خصوصی، رازداری اطلاعات شرکت‌کنندگان و آزادی در ترک مشارکت) نیز کاملاً رعایت شد.

سؤالات اصلی مصاحبه به گونه‌ای طراحی شد که بتواند هدف اصلی پژوهش، که احصای دیدگاه‌های متنوع شرکت‌کنندگان بود، را استخراج کند؛ مدت انجام هر مصاحبه، به طور میانگین ۹۰ دقیقه بود و نظر به اینکه انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس قاعده اشباع بود، محقق در ۱۵ مورد به اشباع رسید.

داده‌های حاصل از مصاحبه، با روش کلایزی تحلیل و در هفت مرحله زیر به ترتیب اجرا شد. در مرحله نخست اطلاعات مکتوب حاصل از مصاحبه‌ها چندین مرتبه خوانده شد تا محتوای کلی آنها درک شود. در مرحله دوم جملات مهم از متن کلی استخراج شد. به دلیل اینکه اطلاعات با درصد اهمیت کمتر از دست نرود، این جملات در فایل‌هایی جداگانه ذخیره شدند؛ زیرا ممکن بود در مراحل بعدی به کار آیند. در مرحله سوم برای هر جمله مهم، یک توصیف کوتاه نوشته شد. این فرآیند را دو نفر به صورت جداگانه انجام دادند و سپس معانی حاصل با هم ترکیب و در قالب عباراتی توصیفی طبقه‌بندی شدند. در مرحله چهارم جملات توصیفی که در مرحله قبل به دست آمده بود، در درون دسته‌های مختلف فرموله‌بندی و در سطح توصیفی کدگذاری شدند؛ سپس مفاهیم تدوین شده مجدداً به دقت مطالعه و بر اساس تشابه، مضامین آنها دسته‌بندی شد. به این طریق، دسته‌های موضوعی از مضامین تدوین شده تشکیل شد. در مرحله پنجم، نتایج به منظور توصیف جامعی از تجربه زیسته شرکت‌کنندگان با هم ترکیب شدند تا مضامین کلی‌تری به وجود آید. در مرحله ششم، توصیف جامعی از تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار شرکت‌کننده در قالب کدهای تفسیری ارائه شد.

و در مرحله نهایی، تبیین یافته‌های نهایی در قالب شبکه مضامین ارائه شد. این در حالی بود که به‌منظور تأمین دقت در این پژوهش، از راهبردهایی استفاده شد که خلاصه آنها در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. ملاک‌های مرتبط با ارزیابی پژوهش کیفی و اقدامات انجام‌شده برای تأمین آنها در پژوهش حاضر

عنوان ملاک	اقدام در مطالعه حاضر برای تأمین آنها با رویکرد کلایزی
صحت یا روایی درونی	برای اطمینان از صحت تفسیرها در فرآیند تحلیل کلایزی، داده‌های مصاحبه‌ها توسط سه مددکار به‌زیستی بررسی شد. این افراد با مطالعه توصیف‌ها و مضامین استخراج‌شده در مراحل سوم و چهارم کلایزی (توصیف و کدگذاری)، باورپذیری و انطباق تفسیرها با تجارب زیسته شرکت‌کنندگان را تأیید کردند. همچنین، بازخورد آن‌ها در اصلاح دسته‌های موضوعی (مرحله پنجم) استفاده شد.
انتقال‌پذیری (روایی بیرونی)	برای تقویت انتقال‌پذیری یافته‌ها، چندسویه‌سازی داده‌ها اعمال شد. این شامل استفاده از داده‌های روایتی مصاحبه‌ها و اسناد مرتبط (مرحله اول کلایزی)، چندسویه‌سازی بررسی‌کننده با مشارکت دستیار پژوهشی در تحلیل و تفسیر (مراحل سوم تا ششم)، و چندسویه‌سازی محیطی با انجام مصاحبه‌ها در مکان‌های متنوع (اداره بهزیستی، اتاق مشاوره، کمیته امداد) بود. این اقدامات به ارائه توصیف غنی و قابل‌تعمیم از تجارب زیسته در مرحله ششم کلایزی کمک کرد.
وابستگی و اتکال‌پذیری	برای اطمینان از وابستگی، فرآیند پژوهش به‌صورت مشروح مستند شد. جزئیات مراحل کلایزی (از خواندن داده‌ها تا تبیین شبکه مضامین) همراه با شرح زمینه، شرایط شرکت‌کنندگان، و رویه‌های گردآوری داده‌ها ثبت شد. این مستندسازی امکان بازبینی و تأیید فرآیند تحلیل توسط پژوهشگران دیگر را فراهم کرد (مراحل اول تا هفتم کلایزی).
تأیید‌پذیری	تأیید‌پذیری از طریق ارائه توضیحات دقیق درباره فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها تأمین شد. مراحل کلایزی به‌صورت گام‌به‌گام شرح داده شد، و کدگذاری‌ها و مضامین استخراج‌شده با داده‌های خام مقایسه شدند. همچنین، بازبینی مضامین توسط دستیار پژوهشی و مددکاران (مراحل چهارم و پنجم) به اطمینان از انطباق یافته‌ها با داده‌های اولیه کمک کرد.
قانع‌سازی خواننده	برای قانع‌سازی خوانندگان، از عبارات و اصطلاحات خود شرکت‌کنندگان در گزارش مضامین (مرحله ششم کلایزی) استفاده شد. توضیحات دقیق از تجارب زیسته و نحوه استخراج مضامین ارائه شد، و پرسش‌های مصاحبه به‌گونه‌ای طراحی شدند که با هدف پژوهش (کاوش معنای زندگی) هم‌راستا باشند، تا روایت‌های غنی و معتبر تولید شود.

این جدول نشان می‌دهد که اقدامات اعتبارسنجی با مراحل کلایزی هم‌راستا هستند. بررسی توسط مددکاران و چندسویه‌سازی دقت استخراج مضامین را افزایش داد، و مستندسازی و نقل‌قول‌ها تجارب زیسته زنان را به‌صورت معتبر ارائه کردند، که با هدف کاوش معنای زندگی همخوانی دارد.

یافته‌ها

جدول ۲: ویژگی جمعیت شناختی

تعداد پاسخگویان	طبقات
۸	۳۰ تا ۴۰ ساله
۱۰	۴۰ تا ۵۰ ساله
۸	۵۰ تا ۶۰ ساله
۴	۶۰ سال به بالا
۱۳	غیرشاغل
۱۷	شاغل
۶	بی‌سواد
۵	ابتدایی
۶	راهنمایی
۸	دیپلم
۳	فوق دیپلم
۲	لیسانس
۸	طلاق
۸	فوت همسر
۵	اعتیاد همسر

گروه‌های سنی

وضعیت اشتغال

تحصیلات

علت سرپرستی

متواری بودن همسر	۵
از کارافتادگی همسر	۲
زندانی بودن همسر	۲
۱ و ۲ نفر	۱۶
۳ نفر	۹
۴ و ۵ نفر	۵
تحت افراد تکفل	

این پژوهش با ۳۰ زن سرپرست خانوار (به جای ۱۵ نفر ذکرشده در متن شما، که احتمالاً اشتباه تایپی است، زیرا مجموع پاسخگویان در جدول ۳۰ نفر است) انجام شد. انتخاب نمونه بر اساس اشباع نظری و با روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد تا تنوع تجارب زیسته در زمینه معنای زندگی بررسی شود. گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ ساله، تحصیلات دیپلم، و علل سرپرستی طلاق و فوت همسر بیشترین فراوانی را دارند، که نشان‌دهنده تنوع و تمرکز بر زنان در میانه عمر با مسئولیت‌های خانوادگی سنگین است. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در مرحله اول کلایزی (درک کلی داده‌ها) برای زمینه‌سازی تجارب زیسته آن‌ها استفاده شد. این ویژگی‌ها به شناسایی تنوع در شرایط زندگی (مانند وضعیت اقتصادی، تحصیلات، و علل سرپرستی) کمک کرد، که در مراحل بعدی (استخراج مضامین و توصیف) به درک عمیق‌تر معنای زندگی در بستر چالش‌های خاص این زنان منجر شد. برای مثال، تحصیلات پایین و تعداد بالای افراد تحت تکفل به عنوان عوامل زمینه‌ای در شکل‌گیری مضامین مرتبط با مشکلات مالی و فشارهای روانی ظاهر شدند. در جدول زیر نیز کدگذاری مصاحبه‌ها نشان داده شده است مضامین بر اساس مراحل کلایزی استخراج شدند: جملات مهم (مرحله دوم) به کدهای اولیه (مرحله سوم) تبدیل و در دسته‌های موضوعی (مرحله چهارم) سازمان‌دهی شدند. این دسته‌ها به مضامین اصلی (مرحله پنجم) ترکیب شدند، و نقل‌قول‌ها برای پشتیبانی از تجارب زیسته ارائه شدند. لذا مراحل به شرح زیر است:

مرحله اول: آشنایی با داده‌ها

در مرحله اول تحلیل کلایزی، داده‌های جمع‌آوری‌شده به‌طور دقیق مطالعه و بررسی شدند تا محقق به درک عمیقی از محتوای آن‌ها برسد. در این مرحله، متن‌های مربوط به مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها و سایر منابع داده‌ها به‌طور کامل مورد توجه قرار گرفتند تا زمینه‌های اصلی تحقیق شناسایی شوند. هدف از این مرحله، آشنایی دقیق با داده‌ها و شفاف‌سازی اطلاعات موجود بود تا مبنای مناسبی برای تحلیل‌های بعدی فراهم گردد.

با توجه به داده‌های موجود، پژوهشگر با ذهنی باز و بدون پیش‌داوری به بررسی متن‌ها پرداخت و سعی در استخراج الگوهای اولیه و مفاهیم کلیدی داشت. این فرآیند به‌منزله‌ی درک اولیه از موضوعات مختلف و شناسایی زمینه‌های پر اهمیت در تحقیق بود.

این مرحله همچنین زمینه‌ساز شناسایی موضوعات اصلی و جانبی تحقیق بود که در مراحل بعدی تحلیل، کدگذاری و خوشه‌بندی معانی به‌طور مؤثری مورد استفاده قرار گرفتند. به این ترتیب، در این مرحله داده‌ها به‌طور دقیق‌تری مورد ارزیابی قرار گرفتند تا امکان تحلیل‌های عمیق‌تر و سیستماتیک‌تر در مراحل بعدی فراهم آید.

مرحله دوم: استخراج جملات مهم

جدول ۳: استخراج جملات مهم

جملات مهم
به‌خاطر هزینه درمان بالای دخترم، مستمری کمیته امداد و کمک‌های مردمی کفاف زندگی‌مان را نمی‌کند. به خدا وقت‌هایی بود که در خانه چیزی برای خوردن نداشتیم. به‌راستی که فقری درد بزرگی است.
ماهانه ۳۰۰۰۰ تومان کرایه می‌دهیم؛ ولی صاحب‌خانه گفته برای امسال باید دو برابر آن را پرداخت کنید. می‌گویند تا به حال رعایت حالتان را کرده‌ام. اگر آن را هر شب به مسافر بدهم بیشتر به نفعم است. حالا مانده‌ام چکار کنم. به هر جا سر زدم خانه‌ای با کرایه مناسب وضع ما پیدا نشد.
خودم توانایی کار کردن ندارم؛ ولی شکر خدا دخترم در یک مرکز خصوصی کار می‌کند. ماهانه ۵۰۰۰۰ تومان حقوق دارد، کمک‌های مردمی هم هست.

مجبورم هر دو ماه یک بار به خانه‌هایی بروم که من را می‌شناسند و از آنها درخواست کمک کنم؛ چون حال و روزم را می‌دانند، دست خالی برنمی‌گردم.
الان اگر بدانم یک سقفی از خودم دارم، خانه‌ای که از خودم باشد و از اجاره‌نشینی راحت بشوم، فکر می‌کنم زندگی‌م راحت بشود. صاحب خونم چند خانه دارد؛ می‌گویم، خدایا چه می‌شد یکی‌اش مال من و بچه‌ام بود تا از این دربه دری نجات پیدا کنیم.
گزاره
وقتی به دلیل غفلت یا خطا احساس می‌کنم از خداوند دور شده‌ام، زندگی برایم بی‌معنا می‌شود. اگر همه چیزم را از دست بدهم ولی خدا را داشته باشم، بی‌معنایی را تجربه نخواهم کرد.
بعد از ازدواج و با وجود همسر در کنارم زندگی‌ام معنای دیگری پیدا کرده بود. بودن با او در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، و برنامه‌هایی که برای آینده مشترک داشتیم، زندگی‌ام را معنا بخشید.
در لحظه‌ای که من رو در کنار خانواده‌ام می‌بینم و با هم خوش هستیم، زندگی‌ام معنا پیدا می‌کند.
وقتی شاد می‌شوم که بچه‌های من سروسامان بگیرند. عروسی دختر و پسر را ببینم یا دانشگاه قبول شوند، خیلی به آینده‌شان فکر می‌کنم. حتی تا حالا یک شب هم با خیال راحت نخوابیدم، خیلی نگرانم. به هیچ عنوان برای خودم چیزی نمی‌خواهم، فقط پیشرفت بچه‌هایم مرا شاد می‌کند.
الان بیماری افسردگی دارم. تحت نظر پزشک هستم. دارو مصرف می‌کنم. دکتر بهم می‌گوید باید غصه نخوری، شاد باشی تا خوب شوی؛ ولی من با این همه مشکل چجوری می‌توانم شاد باشم.
وقتی که یک زن سرپرست خانوار به مشکلاتش فکر می‌کند، غم و غصه‌ی شدیدی به سراغش می‌آید و افسرده می‌شود. مثلاً وقتی که پول نداشته باشی و چیزی را که بچه‌هایت در نبود پدرشان از تو می‌خواهند برآورده کنی، وقتی دختری از تو درخواستی می‌کند و نمی‌توانی برآورده‌اش کنی، وقتی وقت نداشته باشی به آنها محبت کنی، نتوانی کمبود پدرشان را جبران کنی و به‌طور کلی وقتی که به بچه‌ها نگاه می‌کنی و می‌بینی انگار بچگی‌های خودت تکرار می‌شود، خیلی غصه می‌خوری.
آدم وقتی که از لحاظ روحی به آن چیزی که می‌خواهد، نمی‌رسد، ناراحت می‌شود، غصه می‌گیرد. همه چیز آدم بستگی به دوران کودکی دارد. اگر آدم به گذشته‌اش فکر کند و احساس رضایت بیشتری داشته باشد، شاد می‌شود. یادآوری دوران کودکی برایم عذاب‌آور است. فکر کردن به گذشته‌ام، به زندگی‌ای که محبت در آن معنایی نداشت، غمگینم می‌کند.
وقتی به دلیل غفلت یا خطا احساس می‌کنم از خداوند دور شده‌ام، زندگی برایم بی‌معنا می‌شود. اگر همه چیزم را از دست بدهم ولی خدا را داشته باشم، بی‌معنایی را تجربه نخواهم کرد.
هیچ کدوم از دوستا و فامیلام بعد جدایی من از همسر با من رابطه ندارند، این دید و نگاه بد در رفت و آمد تأثیر گذاشته، مثلاً من بارها دوست داشتم به خانه‌ی عمویم برم؛ ولی زن پسرعموم بداخلاقی میکرد. فکر می‌کرد چون من بیوه‌ام به پسرعموم نظر دارم.
من از حدود دو سه سال پیش خیلی به این موضوع فکر کردم، خیلی هم مطالعه کرده‌ام ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ام. به نظر من زندگی معنایی ندارد.
«اگر بتوانم پیشرفت کنم و روزی خیاط بزرگی بشوم، حداقل طوری باشد که بتوانم ۱۰ چرخ خیاطی بخرم، خیلی شاد می‌شوم. اگه پول داشتم الان جزء بهترین خیاط‌ها بودم. شرکت در کلاس‌های هنری پول می‌خواهد. خیلی کلاس‌های دیگه هم دوست دارم برم اما دستم خالی، گرفتن هر مدرکی پول می‌خواهد».
وقتی شاد می‌شوم که بچه‌های من سروسامان بگیرند. عروسی دختر و پسر را ببینم یا دانشگاه قبول شوند، خیلی به آینده‌شان فکر می‌کنم. حتی تا حالا یک شب هم با خیال راحت نخوابیدم، خیلی نگرانم. به هیچ عنوان برای خودم چیزی نمی‌خواهم، فقط پیشرفت بچه‌هایم مرا شاد می‌کند.
وقتی در کنار بچه‌های خود می‌بینم که در حال یادگیری یا پیشرفت هستند، خوشحال می‌شوم. وقتی از کمک‌های کوچک خودم برای آنها بهره‌برداری می‌کنم، احساس شادمانی و رضایت دارم.
خانواده‌ام همیشه در کنارم هستند و همین باعث شادابی و خوشحالی من است. به طور کلی، وقتی که به اطرافیانم کمک می‌کنم و آنها شاد می‌شوند، خودم نیز احساس خوشبختی و شادمانی می‌کنم.
گزاره
وقتی به دلیل غفلت یا خطا احساس می‌کنم از خداوند دور شده‌ام، زندگی برایم بی‌معنا می‌شود. اگر همه چیزم را از دست بدهم ولی خدا را داشته باشم، بی‌معنایی را تجربه نخواهم کرد.
من از حدود دو سه سال پیش خیلی به این موضوع فکر کردم، خیلی هم مطالعه کرده‌ام ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ام. به نظر من زندگی معنایی ندارد.
اگه پول داشتم الان جزء بهترین خیاط‌ها بودم. شرکت در کلاس‌های هنری پول می‌خواهد. خیلی کلاس‌های دیگه هم دوست دارم برم اما دستم خالی، گرفتن هر مدرکی پول می‌خواهد.

در مدارس، وقتی که به بچه‌ها آموزش می‌دهی، احساس می‌کنی که خودت هم در حال یادگیری و رشد هستی. این یک نوع رضایت خاص به انسان می‌دهد.

یادآوری دوران کودکی برایم عذاب‌آور است. فکر کردن به گذشته‌ام، به زندگی‌ای که محبت در آن معنایی نداشت، غمگینم می‌کند. آدم وقتی که از لحاظ روحی به آن چیزی که می‌خواهد، نمی‌رسد، ناراحت می‌شود، غصه می‌گیرد. همه چیز آدم بستگی به دوران کودکی دارد.

به نظر من زندگی هیچ معنایی نداره. فقط مفهوم پوچی میاد توی ذهنم. هیچ معنایی نداره که من بخوام تعریفش کنم. خودم توانایی کار کردن ندارم؛ ولی شکر خدا دخترم در یک مرکز خصوصی کار می‌کند. ماهیانه ۵۰۰۰۰ تومان حقوق دارد، کمک‌های مردمی هم هست.

در مرحله دوم از رویکرد کلایزی، جملات مهم و معنادار از مصاحبه‌ها و داده‌های کیفی استخراج شدند. این جملات به‌طور خاص برای تحلیل‌های بعدی انتخاب شدند که در آن‌ها احساسات، تجربیات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در رابطه با پدیده‌های مورد مطالعه (مانند معنای زندگی، فقر، شادی، و افسردگی) برجسته می‌شود. این جملات به‌عنوان گزاره‌های کلیدی و نمادین از تجربه زیسته افراد انتخاب گردیدند تا به مرحله‌های بعدی کدگذاری و تحلیل معنایی وارد شوند.

مرحله ۳: تدوین معانی

جدول ۴: تدوین معانی

کد اولیه	گزاره
مشکلات مالی، فقر، درد بزرگی	به‌خاطر هزینه درمان بالای دخترم، مستمری کمیته امداد و کمک‌های مردمی کفاف زندگی‌مان را نمی‌کند. به خدا وقت‌هایی بود که در خانه چیزی برای خوردن نداشتیم. به‌راستی که فقری درد بزرگی است. ماهیانه ۳۰۰۰۰ تومان کرایه می‌دهیم؛ ولی صاحب‌خانه گفته برای امسال باید دو برابر آن را پرداخت کنی. می‌گویند تا به حال رعایت حالتان را کرده‌ام. اگر آن را هر شب به مسافر بدهم بیشتر به نفعم است. حالا مانده‌ام چکار کنم. به هر جا سر زدم خانه‌ای با کرایه مناسب وضع ما پیدا نشد.
مشکلات اقتصادی، کرایه خانه، ناتوانی	خودم توانایی کار کردن ندارم؛ ولی شکر خدا دخترم در یک مرکز خصوصی کار می‌کند. ماهیانه ۵۰۰۰۰ تومان حقوق دارد، کمک‌های مردمی هم هست.
کمک‌های مالی، کار کردن دختر	مجبورم هر دو ماه یک بار به خانه‌هایی بروم که من را می‌شناسند و از آنها درخواست کمک کنم؛ چون حال و روزم را می‌دانند، دست خالی برنمی‌گردم.
درخواست کمک، ناتوانی مالی	الان اگر بدانم یک سقفی از خودم دارم، خانه‌ای که از خودم باشد و از اجاره‌نشینی راحت بشوم، فکر می‌کنم زندگی‌م راحت بشود. صاحب خونم چند خانه دارد؛ می‌گویم، خدایا چه می‌شد یکی‌اش مال من و بچه‌ام بود تا از این دربه دری نجات پیدا کنیم.
آرزو برای خانه شخصی، فرار از اجاره‌نشینی	وقتی به دلیل غفلت یا خطا احساس می‌کنم از خداوند دور شده‌ام، زندگی برایم بی‌معنا می‌شود. اگر همه چیزم را از دست بدهم ولی خدا را داشته باشم، بی‌معنایی را تجربه نخواهم کرد.
روابط با خدا، معنای زندگی	بعد از ازدواج و با وجود همسر در کنارم زندگی‌ام معنای دیگری پیدا کرده بود. بودن با او در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، و برنامه‌هایی که برای آینده مشترک داشتیم، زندگی‌ام را معنا بخشید.
ازدواج، زندگی مشترک	در لحظه‌ای که من رو در کنار خانواده‌ام می‌بینم و با هم خوش هستیم، زندگی‌ام معنا پیدا می‌کند.
خانواده، لحظه‌های خوش زندگی	وقتی شاد می‌شوم که بچه‌های من سروسامان بگیرند. عروسی دختر و پسر را ببینم یا دانشگاه قبول شوند، خیلی به آینده‌شان فکر می‌کنم. حتی تا حالا یک شب هم با خیال راحت نخوابیدم، خیلی نگرانم. به هیچ عنوان برای خودم چیزی نمی‌خواهم، فقط پیشرفت بچه‌هایم مرا شاد می‌کند.
شادی در موفقیت بچه‌ها، نگرانی برای آینده	الان بیماری افسردگی دارم. تحت نظر پزشک هستم. دارو مصرف می‌کنم. دکتر بهم می‌گوید باید غصه نخوری، شاد باشی تا خوب شوی؛ ولی من با این همه مشکل چجوری می‌توانم شاد باشم.
افسردگی، درمان، سختی‌های زندگی	وقتی که یک زن سرپرست خانوار به مشکلاتش فکر می‌کند، غم و غصه‌ی شدیدی به سراغش می‌آید و افسرده می‌شود. مثلاً وقتی که پول نداشته باشی و چیزی را که بچه‌هایت در نبود پدرشان از تو می‌خواهند برآورده کنی، وقتی دخترت از تو درخواستی می‌کند و نمی‌توانی برآورده‌اش کنی، وقتی وقت نداشته باشی به آنها محبت کنی، نتوانی کمبود پدرشان را جبران کنی و به‌طور کلی وقتی که به بچه‌ها نگاه می‌کنی و می‌بینی انگار بچه‌های خودت تکرار می‌شود، خیلی غصه می‌خوری.
افسردگی، غم از گذشته، مسئولیت‌های مادرانه	

آدم وقتی که از لحاظ روحی به آن چیزی که می‌خواهد، نمی‌رسد، ناراحت می‌شود، غصه می‌گیرد. همه چیز آدم بستگی به دوران کودکی دارد. اگر آدم به گذشته‌اش فکر کند و احساس رضایت بیشتری داشته باشد، شاد می‌شود. یادآوری دوران کودکی برایم عذاب‌آور است. فکر کردن به گذشته‌ام، به زندگی‌ای که محبت در آن معنایی نداشت، غمگینم می‌کند.	غم از گذشته، تاثیر دوران کودکی
وقتی به دلیل غفلت یا خطا احساس می‌کنم از خداوند دور شده‌ام، زندگی برایم بی‌معنا می‌شود. اگر همه چیزم را از دست بدهم ولی خدا را داشته باشم، بی‌معنایی را تجربه نخواهم کرد.	بی‌معنایی، فاصله از خدا
هیچ کدوم از دوستا و فامیلام بعد جدایی من از همسرم با من رابطه ندارن، این دید و نگاه بد در رفت و آمدم تأثیر گذاشته، مثلاً من بارها دوست داشتم به خانه‌ی عمویم برم؛ ولی زن پسرعموم بد اخلاقی میکرد. فکر می‌کرد چون من بیوه‌ام به پسرعموم نظر دارم.	مشکلات اجتماعی، نگاه منفی اطرافیان
من از حدود دو سه سال پیش خیلی به این موضوع فکر کردم، خیلی هم مطالعه کرده‌ام ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ام. به نظر من زندگی معنایی ندارد.	عدم یافتن معنای زندگی، پوچی
«اگر بتوانم پیشرفت کنم و روزی خیاط بزرگی بشوم، حداقل طوری باشد که بتوانم ۱۰ چرخ خیاطی بخرم، خیلی شاد می‌شوم. اگه پول داشتم الان جزء بهترین خیاط‌ها بودم. شرکت در کلاس‌های هنری پول می‌خواهد. خیلی کلاس‌های دیگه هم دوست دارم برم اما دستم خالی، گرفتن هر مدرکی پول می‌خواهد.»	آرزو برای پیشرفت شغلی، محدودیت‌های مالی
وقتی شاد می‌شوم که بچه‌های من سروسامان بگیرند. عروسی دختر و پسر را ببینم یا دانشگاه قبول شوند، خیلی به آینده‌شان فکر می‌کنم. حتی تا حالا یک شب هم با خیال راحت نخوابیدم، خیلی نگرانم. به هیچ عنوان برای خودم چیزی نمی‌خواهم، فقط پیشرفت بچه‌هایم مرا شاد می‌کند.	شادی در موفقیت بچه‌ها، نگرانی برای آینده
وقتی در کنار بچه‌های خود می‌بینم که در حال یادگیری یا پیشرفت هستند، خوشحال می‌شوم. وقتی از کمک‌های کوچک خودم برای آنها بهره‌برداری می‌کنم، احساس شادمانی و رضایت دارم.	موفقیت فرزندان، احساس رضایت از کمک به آنها
خانواده‌ام همیشه در کنارم هستند و همین باعث شادابی و خوشحالی من است. به طور کلی، وقتی که به اطرافیانم کمک می‌کنم و آنها شاد می‌شوند، خودم نیز احساس خوشبختی و شادمانی می‌کنم.	کمک به دیگران، خوشبختی
وقتی به دلیل غفلت یا خطا احساس می‌کنم از خداوند دور شده‌ام، زندگی برایم بی‌معنا می‌شود. اگر همه چیزم را از دست بدهم ولی خدا را داشته باشم، بی‌معنایی را تجربه نخواهم کرد.	ایمان به خدا، معنای زندگی
من از حدود دو سه سال پیش خیلی به این موضوع فکر کردم، خیلی هم مطالعه کرده‌ام ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ام. به نظر من زندگی معنایی ندارد.	فقدان ایمان، پوچی زندگی
اگه پول داشتم الان جزء بهترین خیاط‌ها بودم. شرکت در کلاس‌های هنری پول می‌خواهد. خیلی کلاس‌های دیگه هم دوست دارم برم اما دستم خالی، گرفتن هر مدرکی پول می‌خواهد.	تحصیل، محدودیت‌های مالی در تحصیلات
در مدارس، وقتی که به بچه‌ها آموزش می‌دهی، احساس می‌کنی که خودت هم در حال یادگیری و رشد هستی. این یک نوع رضایت خاص به انسان می‌دهد.	آموزش، رشد فردی
یادآوری دوران کودکی برایم عذاب‌آور است. فکر کردن به گذشته‌ام، به زندگی‌ای که محبت در آن معنایی نداشت، غمگینم می‌کند.	غم از گذشته، تاثیر دوران کودکی
آدم وقتی که از لحاظ روحی به آن چیزی که می‌خواهد، نمی‌رسد، ناراحت می‌شود، غصه می‌گیرد. همه چیز آدم بستگی به دوران کودکی دارد.	تاثیر دوران کودکی بر زندگی
به نظر من زندگی هیچ معنایی نداره. فقط مفهوم پوچی میاد توی ذهنم. هیچ معنایی نداره که من بخوام تعریفش کنم.	پوچی زندگی، نبود معنا
خودم توانایی کار کردن ندارم؛ ولی شکر خدا دخترم در یک مرکز خصوصی کار می‌کند. ماهیانه ۵۰۰۰۰۰ تومان حقوق دارد، کمک‌های مردمی هم هست.	تضاد بین ناتوانی و توانایی

در مرحله سوم رویکرد کلایزی، پس از استخراج جملات مهم، معانی و مفاهیم مرتبط با هر گزاره از داده‌ها تدوین شد. در این مرحله، کدهای اولیه به مفاهیم گسترده‌تری تبدیل شدند که نمایانگر تجربیات، احساسات و مسائل اصلی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها است. این کدها به‌طور خلاصه‌تری جنبه‌های مختلف زندگی افراد را در ابعاد مختلف مانند مشکلات مالی، روابط خانوادگی، مسائل اجتماعی، معنای زندگی، افسردگی، آرزوها و امیدها نشان می‌دهند. این مرحله گام مهمی در شناسایی و تحلیل الگوهای مشترک و مفاهیم محوری برای درک عمیق‌تر پدیده‌های مورد مطالعه است.

مرحله ۴: خوشه بندی معانی

جدول ۵: خوشه بندی معانی

خوشه بندی معانی	کد اولیه
مشکلات مالی و اقتصادی	مشکلات مالی، فقر، درد بزرگی مشکلات اقتصادی، کرایه خانه، ناتوانی کمک‌های مالی، کار کردن دختر درخواست کمک، ناتوانی مالی آرزو برای خانه شخصی، فرار از اجاره‌نشینی روابط با خدا، معنای زندگی
خانواده و روابط خانوادگی	ازدواج، زندگی مشترک خانواده، لحظه‌های خوش زندگی شادی در موفقیت بچه‌ها، نگرانی برای آینده افسردگی، درمان، سختی‌های زندگی افسردگی، غم از گذشته، مسئولیت‌های مادرانه غم از گذشته، تاثیر دوران کودکی
مشکلات روحی و روانی	بی‌معنایی، فاصله از خدا مشکلات اجتماعی، نگاه منفی اطرافیان عدم یافتن معنای زندگی، پوچی آرزو برای پیشرفت شغلی، محدودیت‌های مالی شادی در موفقیت بچه‌ها، نگرانی برای آینده موفقیت فرزندان، احساس رضایت از کمک به آنها
مقایسه اجتماعی و احساس نابرابری	کمک به دیگران، خوشبختی ایمان به خدا، معنای زندگی فقدان ایمان، پوچی زندگی تحصیل، محدودیت‌های مالی در تحصیلات آموزش، رشد فردی
آرزوها و اهداف زندگی	غم از گذشته، تاثیر دوران کودکی تاثیر دوران کودکی بر زندگی پوچی زندگی، نبود معنا تضاد بین ناتوانی و توانایی
شادی و خوشبختی	
ایمان و باورهای دینی	
تحصیلات و آموزش	
تجربیات زندگی و گذشته	
تضاد و تقابل‌ها	

در مرحله چهارم رویکرد کلایزی، معانی استخراج شده از داده‌ها در خوشه‌های مختلف گروه‌بندی شدند. این مرحله به هدف شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم اصلی و معنایی مرتبط با تجربیات افراد انجام گرفت. در این فرآیند، کدهای اولیه به خوشه‌هایی تجزیه شدند که هر کدام مفاهیم خاصی را نمایندگی می‌کنند. این خوشه‌ها به شفافیت و سازماندهی اطلاعات کمک کرده و الگوها و روابط موجود در داده‌ها را بهتر نشان می‌دهند. خوشه‌بندی معانی به پنج گروه اصلی تقسیم شد:

مشکلات مالی و اقتصادی: شامل کدهایی مانند مشکلات مالی، فقر، ناتوانی در پرداخت کرایه خانه، و نیاز به کمک‌های مالی.

خانواده و روابط خانوادگی: شامل کدهایی مانند ازدواج، زندگی مشترک، لحظات خوش زندگی در کنار خانواده و نگرانی برای آینده فرزندان.

مشکلات روحی و روانی: شامل کدهایی مانند افسردگی، درمان، سختی‌های زندگی و غم از گذشته.

آرزوها و اهداف زندگی: شامل کدهایی که به آرزوهای فردی مانند پیشرفت شغلی، تحصیلات، و محدودیت‌های مالی اشاره دارند.

ایمان و باورهای دینی: شامل کدهایی مرتبط با روابط فرد با خداوند، ایمان به خدا و معنای زندگی.

مرحله ۵: تدوین توصیف جامع

مشکلات مالی و اقتصادی: این مفهوم شامل مشکلات مالی و چالش‌های اقتصادی است که بسیاری از افراد با آن مواجه هستند. یکی از مسائلی که در این بخش به چشم می‌خورد، تأثیر فشارهای مالی بر زندگی روزمره افراد است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان از مشکلات اجاره‌خانه، افزایش هزینه‌ها و نیاز به کمک‌های مردمی یا سازمان‌های حمایتی صحبت می‌کنند.

یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «به‌خاطر هزینه درمان بالای دخترم، مستمری کمیته امداد و کمک‌های مردمی کفاف زندگی‌مان را نمی‌کند. به خدا وقت‌هایی بود که در خانه چیزی برای خوردن نداشتیم.» این نقل قول نشان‌دهنده فشاری است که برخی افراد تحت شرایط اقتصادی سخت با آن مواجه‌اند.

فرد دیگری اظهار داشت: «ماهانه ۳۰۰۰۰ تومان کرایه می‌دهیم؛ ولی صاحب‌خانه گفته برای امسال باید دو برابر آن را پرداخت کنید. می‌گویند تا به حال رعایت حالتان را کرده‌ام.» این جمله به‌خوبی نشان‌دهنده تغییرات در بازار اجاره و فشارهای اقتصادی در زندگی روزمره است.

خانواده و روابط خانوادگی: این دسته‌بندی به روابط خانوادگی و تأثیرات مثبت یا منفی آن‌ها بر افراد می‌پردازد. مشارکت‌کنندگان به‌طور معمول از ارزش بالای خانواده صحبت می‌کنند و این که زندگی آن‌ها وقتی که در کنار خانواده‌شان باشند، معنا پیدا می‌کند. همچنین، وجود یا عدم وجود همدلی و حمایت از سوی اعضای خانواده می‌تواند تأثیر زیادی بر احساسات و نگرش فرد داشته باشد.

یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «بعد از ازدواج و با وجود همسر در کنارم زندگی‌ام معنای دیگری پیدا کرده بود. بودن با او در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، و برنامه‌هایی که برای آینده مشترک داشتیم، زندگی‌ام را معنا بخشید.» این جمله نشان می‌دهد که روابط مثبت خانوادگی می‌تواند به زندگی انسان معنای بیشتری بدهد.

فردی دیگر گفت: «در لحظه‌ای که من رو در کنار خانواده‌ام می‌بینم و با هم خوش هستیم، زندگی‌ام معنا پیدا می‌کند.» این جمله نیز تأکید بر اهمیت هم‌بستگی و اتحاد در خانواده دارد.

مشکلات روحی و روانی: مشکلات روحی، روانی و عاطفی در این دسته‌بندی مورد توجه قرار می‌گیرند. بسیاری از افراد از احساسات افسردگی، غم و فشارهای روانی خود صحبت می‌کنند. مشارکت‌کنندگان ابراز می‌کنند که چگونه شرایط زندگی و چالش‌های روزمره می‌تواند بر سلامت روان تأثیر منفی بگذارد و آن‌ها را در وضعیت روانی دشواری قرار دهد.

یکی از افراد گفت: «الان بیماری افسردگی دارم. تحت نظر پزشک هستم. دارو مصرف می‌کنم. دکتر بهم می‌گوید باید غصه نخوری، شاد باشی تا خوب شوی؛ ولی من با این همه مشکل چجوری می‌توانم شاد باشم.» این جمله تأثیر مشکلات روانی و فشارهای زندگی را بر روی روحیه افراد به خوبی نشان می‌دهد.

فرد دیگری گفت: «آدم وقتی که از لحاظ روحی به آن چیزی که می‌خواهد، نمی‌رسد، ناراحت می‌شود، غصه می‌گیرد. همه چیز آدم بستگی به دوران کودکی دارد.» این نشان‌دهنده تأثیر عمیق گذشته بر وضعیت روانی فرد در حال حاضر است.

مقایسه اجتماعی و احساس نابرابری: افرادی که در این دسته قرار می‌گیرند، اغلب از مقایسه‌های اجتماعی و احساس نابرابری که در تعاملات اجتماعی تجربه می‌کنند، صحبت می‌کنند. این مسائل می‌تواند به خودآگاهی منفی، احساس انزوا یا کمبود منجر شود.

یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «هیچ کدوم از دوستا و فامیلام بعد جدایی من از همسر با من رابطه ندارن، این دید و نگاه بد در رفت و آمد تأثیر گذاشته.» این جمله نشان‌دهنده احساس تنهایی و طرد شدن در روابط اجتماعی است.

فرد دیگری اظهار داشت: «من از حدود دو سه سال پیش خیلی به این موضوع فکر کردم، خیلی هم مطالعه کرده‌ام ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ام. به نظر من زندگی معنایی ندارد.» این جمله نشان‌دهنده بحران درک و احساس بی‌معنایی در زندگی است که در نتیجه مقایسه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.

آرزوها و اهداف زندگی: این دسته‌بندی بر روی آرزوها، اهداف و دستاوردهای فردی تمرکز دارد. بسیاری از افراد به‌ویژه کسانی که با محدودیت‌های مالی یا شخصی روبه‌رو هستند، از آرزوهای خود برای پیشرفت و موفقیت در زمینه‌های مختلف مانند تحصیل، شغل یا روابط صحبت می‌کنند.

یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «اگر بتوانم پیشرفت کنم و روزی خیاط بزرگی بشوم، حداقل طوری باشد که بتوانم ۱۰ چرخ خیاطی بخرم، خیلی شاد می‌شوم.» این جمله بیانگر آرزوی فرد برای دستیابی به یک وضعیت اقتصادی و شغلی بهتر است.

فرد دیگری گفت: «وقتی شاد می‌شوم که بچه‌های من سروسامان بگیرند. عروسی دختر و پسر را ببینم یا دانشگاه قبول شوند.» این نشان‌دهنده اهمیت آرزوهای مربوط به موفقیت فرزندان و نگرانی‌های والدین برای آینده آن‌ها است. **شادی و خوشبختی:** این دسته به احساس شادی، خوشبختی و لحظات خوش زندگی اشاره دارد. افراد در این دسته از تأثیرات مثبت خانواده، روابط خوب و پیشرفت‌های شخصی در زندگی صحبت می‌کنند.

یکی از افراد گفت: «وقتی در کنار بچه‌های خود می‌بینم که در حال یادگیری یا پیشرفت هستند، خوشحال می‌شوم. وقتی از کمک‌های کوچک خودم برای آن‌ها بهره‌برداری می‌کنم، احساس شادمانی و رضایت دارم.» این بیانگر رضایت از موفقیت فرزندان و لذت بردن از لحظات ساده و بارز زندگی است.

فردی دیگر اظهار داشت: «خانواده‌ام همیشه در کنارم هستند و همین باعث شادابی و خوشحالی من است.» این جمله نشان‌دهنده ارزش بالای روابط خانوادگی و تأثیر آن‌ها بر احساس خوشبختی فرد است.

ایمان و باورهای دینی: در این دسته‌بندی، باورهای دینی و روحی افراد که بر اساس ایمان به خدا و معنای زندگی استوار است، مطرح می‌شود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان احساس نزدیکی یا دوری از خدا را در زندگیشان تجربه کرده و بر این اساس معنای زندگی را تفسیر می‌کنند.

یکی از افراد گفت: «اگر همه چیزم را از دست بدهم ولی خدا را داشته باشم، بی‌معنایی را تجربه نخواهم کرد.» این جمله تأکید بر اهمیت ایمان به خدا و اثر آن در یافتن معنا در زندگی دارد.

فرد دیگری بیان کرد: «من از حدود دو سه سال پیش خیلی به این موضوع فکر کردم، خیلی هم مطالعه کرده‌ام ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ام. به نظر من زندگی معنایی ندارد.» این سخن نشان‌دهنده جستجو برای معنا در زندگی و چالش‌هایی است که در نبود ایمان به وجود می‌آید.

تحصیلات و آموزش: این دسته به تأثیر تحصیل و آموزش بر زندگی افراد اشاره دارد. بسیاری از افراد از فرصت‌های محدود آموزشی صحبت می‌کنند و اینکه چگونه تحصیلات می‌تواند در بهبود زندگی آن‌ها نقش ایفا کند.

یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «اگر پول داشتم الان جزء بهترین خیاط‌ها بودم. شرکت در کلاس‌های هنری پول می‌خواهد.» این جمله تأکید بر نقش تحصیلات و آموزش‌های خاص در رشد شغلی افراد دارد.

فرد دیگری اظهار داشت: «در مدارس، وقتی که به بچه‌ها آموزش می‌دهی، احساس می‌کنی که خودت هم در حال یادگیری و رشد هستی.» این جمله نشان‌دهنده تأثیر آموزش بر پیشرفت فردی است.

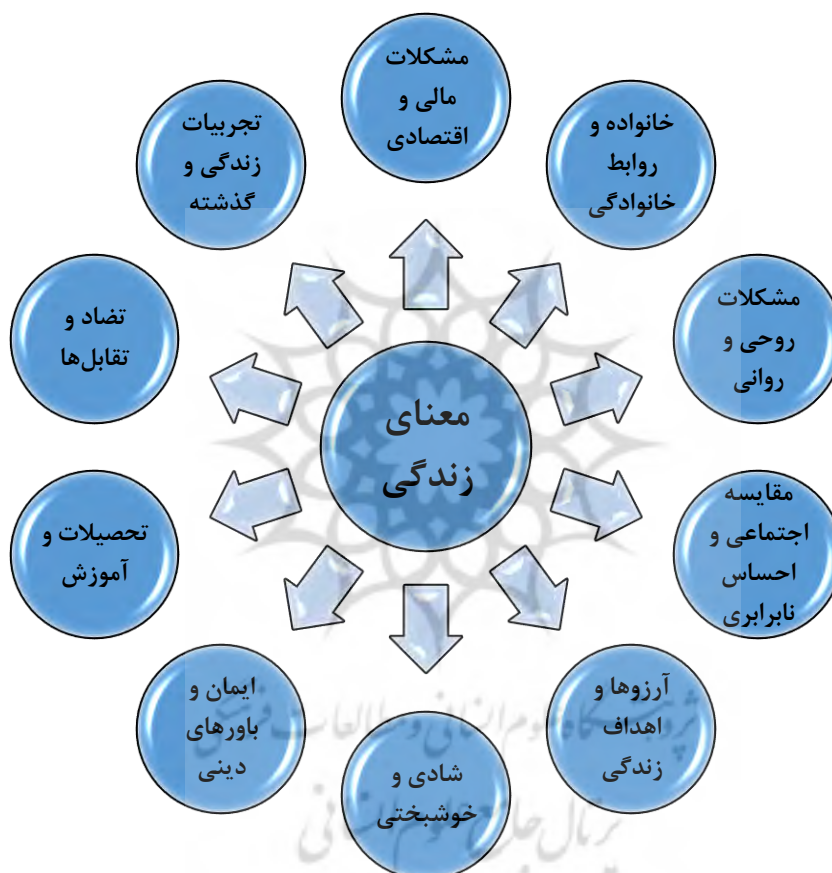
تجربیات زندگی و گذشته: این دسته به تجربیات گذشته و تأثیرات آن‌ها بر حال و آینده افراد پرداخته و نحوه شکل‌گیری باورها و احساسات کنونی افراد را تحلیل می‌کند.

یکی از افراد گفت: «یادآوری دوران کودکی برایم عذاب‌آور است. فکر کردن به گذشته‌ام، به زندگی‌ای که محبت در آن معنایی نداشت، غمگینم می‌کند.» این جمله بیانگر تأثیر منفی گذشته بر وضعیت روحی فرد است.

فرد دیگری اظهار داشت: «آدم وقتی که از لحاظ روحی به آن چیزی که می‌خواهد، نمی‌رسد، ناراحت می‌شود، غصه می‌گیرد.» این جمله نیز به‌طور ضمنی اشاره به تجربیات گذشته دارد که ممکن است بر احساسات کنونی فرد تأثیر بگذارد.

تضاد و تقابل‌ها: در این دسته‌بندی، تضادها و تقابل‌هایی که در زندگی افراد وجود دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تضادها ممکن است از عدم تطابق آرزوها و واقعیت‌ها ناشی شود. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «خودم توانایی کارکردن ندارم؛ ولی شکر خدا دخترم در یک مرکز خصوصی کار می‌کند.» این جمله بیانگر تضاد میان توانایی شخصی و موفقیت فرد دیگر (دختر) است. فرد دیگری گفت: «به نظر من زندگی هیچ معنایی ندارد. فقط مفهوم پوچی میاد توی ذهنم.» این جمله بیانگر تضاد میان جستجوی معنا و احساس پوچی است.

مرحله ۶: شناسایی ساختار اساسی پدیده



شکل ۱: شبکه مضامین

مرحله ۷: بازگشت به مشارکت‌کنندگان

در این پژوهش به‌منظور بررسی روایی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا^۱ (CVR) و شاخص روایی محتوا^۲ (CVI) استفاده می‌شود. برای سنجیدن روایی محتوایی پرسشنامه بین ۱۵ نفر از خبرگان تقسیم شد. برای محاسبه CVR پرسشنامه مخصوص بخش CVR تقسیم شد و خبرگان و مطلعین بر اساس طیف لیکرت ۳ تایی "ضروری است"، "مفید ولی غیر ضروری" و "غیر ضروری"؛ به مولفه‌های بدست آمده نمره دادند. همچنین برای محاسبه CVI از روش

1. Content Validity Ratio

2. Content Validity Index

والتز و باسل^۱ یک پرسشنامه ۴ تایی: "مربوط نیست"، "نسبتاً مربوط است"، "مربوط است" و "کاملاً مربوط است" توزیع شد که نتایج زیر بدست آمدند:

مقادیر مجاز برای شاخص CVR براساس جدول لاشه^۲ به نقل از حاجی‌زاده: ۰/۴۹

مقادیر مجاز برای شاخص CVI: ۰/۷۹

در جدول ۶، مقادیر محاسبه شده برای شاخص‌های CVR و CVI گزارش شده است.

جدول ۶: جدول مربوط به شاخص CVI و CVR

مولفه	CVR	CVI
مشکلات مالی و اقتصادی	۰/۸۶	۰/۹۳
خانواده و روابط خانوادگی	۰/۸۶	۰/۸۶
مشکلات روحی و روانی	۱	۰/۹۳
شادی و خوشبختی	۰/۷۳	۱
ایمان و باورهای دینی	۰/۷۳	۰/۹۳
تحصیلات و آموزش	۰/۸۶	۱
تجربیات زندگی و گذشته	۰/۶	۰/۹۳
تضاد و تقابل‌ها	۰/۸۶	۱

با توجه به جدول (۶) مقادیر شاخص ضریب نسبی روایی محتوایی (CVR) که همگی بالاتر از ۰/۵ هستند؛ تمامی متغیرها از روایی محتوایی مناسبی برخوردار هستند و تعاریف عملیاتی با محتوای سوالات آن‌ها مرتبط هستند. مقادیر شاخص روایی محتوایی (CVI) همگی بالاتر از ۰/۷ هستند؛ تمامی متغیرها از روایی محتوایی مناسبی برخوردار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف کاوش تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از معنای زندگی، از طریق رویکرد پدیدارشناختی کلایزی (Colaizzi, 1978)، یافته‌هایی غنی و چندوجهی ارائه داد که پیچیدگی‌های زندگی این گروه را در بستر چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی نشان می‌دهد. با استفاده از مراحل کلایزی، داده‌های مصاحبه‌ها به مضامین اصلی تبدیل شدند که تعامل بین موانع و منابع در شکل‌گیری معنای زندگی را برجسته کردند.

نتایج نشان داد که زنان سرپرست خانوار، عمدتاً در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال، با تحصیلات دیپلم و به دلایل طلاق یا فوت همسر، با مشکلات مالی شدید، از جمله ناتوانی در پرداخت اجاره و هزینه‌های درمانی، مواجه‌اند (مرحله ششم کلایزی: توصیف جامع). این چالش‌ها، که در مضمون «مشکلات مالی و اقتصادی» منعکس شدند، فشار روانی قابل‌توجهی ایجاد می‌کنند. در مقابل، مضمون «خانواده و روابط خانوادگی» نشان داد که لحظات خوش خانوادگی و موفقیت فرزندان حس هدفمندی و شادمانی را تقویت می‌کند، که با نیاز به ارتباط در نظریه خودتعیین‌گری Ryan و Deci (2019) هم‌راستاست.

مضمون «مشکلات روحی و روانی»، به‌ویژه افسردگی ناشی از فشارهای زندگی و خاطرات کودکی، مانعی برای معنای زندگی بود. مضمون «مقایسه اجتماعی و احساس نابرابری» نیز نشان‌دهنده انزوا و طردشدگی به دلیل تفاوت‌های اجتماعی بود، به‌ویژه در میان زنان مطلقه. در مقابل، مضمون «ایمان و باورهای دینی» برای برخی منبع اصلی معنا بود، که با نظریه معنای زندگی Frankl (2020) همخوانی دارد، در حالی که فقدان ایمان در برخی منجر به احساس

¹. Waltz & Bausell

². Lawshe

پوچی شد. مضمون «آرزوها و اهداف زندگی» انگیزه‌ای برای ادامه تلاش‌ها فراهم کرد، اما محدودیت‌های مالی مانع تحقق آن‌ها شد. مضامین «شادی و خوشبختی» و «تحصیلات و آموزش» نیز به‌عنوان منابع درونی رشد و رضایت ظاهر شدند.

این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین همخوانی و تفاوت‌هایی دارند (Hosseini et al. (2021). بر نقش حمایت اجتماعی در تقویت معنای زندگی تأکید کردند، که با اهمیت روابط خانوادگی در این مطالعه هم‌راستاست (Smith et al. (2023). نیز معنویت را منبع اصلی معنا در زنان سرپرست خانوار دانستند، که با نقش ایمان دینی در برخی مشارکت‌کنندگان همخوانی دارد. برخلاف مطالعات کمی مانند (Mohammadi et al. (2022 که بر عوامل مادی تمرکز داشتند، این پژوهش با رویکرد کلایزی ابعاد عمیق‌تری مانند تأثیر خاطرات کودکی و نابرابری اجتماعی را برجسته کرد. همچنین، در مقایسه با (Abbaszaadeh et al. (2020، که چالش‌های اقتصادی را مانع بهزیستی دانستند، این مطالعه نشان داد که این چالش‌ها موانع روان‌شناختی و عاطفی نیز ایجاد می‌کنند که مستقیماً بر معنای زندگی تأثیر می‌گذارند.

از منظر نظری، نظریه خودتعیین‌گری Ryan و Deci (2019) توضیح می‌دهد که محدودیت‌های مالی و اجتماعی مانع تحقق خودمختاری و شایستگی هستند، اما روابط خانوادگی و ایمان نیاز به ارتباط را ارضا می‌کنند. نظریه (Frankl (2020 نیز نشان می‌دهد که زنان از طریق ارزش‌هایی مانند موفقیت فرزندان و ایمان، معنا را در برابر رنج بازسازی می‌کنند. با این حال، احساس پوچی در برخی مشارکت‌کنندگان نشان‌دهنده ناکامی در یافتن این ارزش‌هاست. از منظر فرهنگی، هنجارهای ایرانی که نقش مادری را در مرکز هویت زنان قرار می‌دهند، معنای زندگی را تقویت می‌کنند، اما قضاوت‌های اجتماعی و انگ‌های مرتبط با طلاق، انزوا را تشدید می‌کنند.

شبکه مضامین (مرحله هفتم کلایزی) نشان داد که معنای زندگی زنان سرپرست خانوار از تعامل چالش‌ها (فقر، افسردگی) و منابع (ایمان، خانواده) شکل می‌گیرد. این یافته‌ها بر نیاز به رویکردهای چندوجهی در حمایت از این گروه تأکید دارند، از جمله مشاوره روان‌شناختی برای تقویت معنای زندگی، شبکه‌های حمایتی محلی، و فرصت‌های آموزشی و شغلی کم‌هزینه. سیاست‌گذاران می‌توانند با اصلاح قوانین اجاره مسکن و افزایش حمایت‌های مالی، فشارهای اقتصادی را کاهش دهند.

مطالعات آینده می‌توانند تجارب زنان سرپرست خانوار در مناطق روستایی یا با پیشینه‌های قومیتی متفاوت را بررسی کنند. پژوهش‌های طولی نیز می‌توانند تغییرات معنای زندگی را در طول زمان کاوش کنند. حجم نمونه ۳۰ نفره، اگرچه برای پژوهش کیفی مناسب است، ممکن است تعمیم‌پذیری را محدود کند. تمرکز بر زنان شهری نیز تجارب زنان روستایی را پوشش نمی‌دهد. این پژوهش با برجسته کردن صدای زنان سرپرست خانوار، گامی در جهت شناخت عمیق‌تر نیازهای آن‌ها و تأکید بر حمایت‌های جامع برداشت.

ملاحظات اخلاقی و پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این پژوهش به شرکت‌کنندگان در مورد محرمانه ماندن اطلاعاتشان اطمینان داد شد و افراد داوطلبانه بدون هیچ اجباری مشارکت کردند.

حامی مالی

هزینه‌های این مطالعه توسط نویسندگان مقاله تأمین شد.

مشارکت نویسندگان

در این پژوهش هر دو نویسنده سهم یکسانی در مقاله داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Abbaszaadeh, A., & colleagues. (2020). Lived experiences of female heads of households: A qualitative study. *Iranian Journal of Social Studies*, 12(3), 45-60. [\[Link\]](#)
- Abedi, M., & Kiani, G. (2020). The relationship between meaning in life, resilience, and tolerance in female heads of households under welfare support. *Iranian Journal of Family Studies*, 15(4), 78-92. [\[Link\]](#)
- Ahmadi, S. (2022). The role of meaning in life in the mental health of female heads of households. *Journal of Psychological Studies*, 18(2), 112-125. [\[Link\]](#)
- Bastidas, L. (2021). Economic challenges faced by single mothers in Latin America. *Latin American Journal of Social Sciences*, 29(1), 33-47. [\[Link\]](#)
- Chen, X., & colleagues. (2017). Resilience as a protective factor in mental health: A cross-cultural perspective. *International Journal of Psychology*, 52(5), 410-423. [\[Link\]](#)
- Colaizzi, P. F. (1978). *Psychological research as the phenomenologist views it*. In R. S. Valle & M. King (Eds.), *Existential-phenomenological alternatives for psychology* (pp. 48-71). Oxford University Press.
- Costa, R. (2023). Social support and economic empowerment of single mothers: Evidence from Latin America. *Journal of Social Policy*, 41(2), 89-104. [\[Link\]](#)
- Donnelly, P., & colleagues. (2017). The role of social support in enhancing life satisfaction. *Social Science Review*, 35(4), 200-215. [\[Link\]](#)
- Frankl, V. E. (2020). *Man's search for meaning*. Beacon Press.
- Ghanbari, B. (2017). Phenomenological approaches to lived experiences: A theoretical framework. *Iranian Journal of Philosophical Studies*, 10(1), 22-35. [\[Link\]](#)
- Goldin, C. (2023). Economic challenges and poverty among female heads of households in Latin America. *Journal of Development Economics*, 45(3), 67-82. [\[Link\]](#)
- Hosseini, M., & colleagues. (2021). Social support and meaning in life among female heads of households: A quantitative study. *Journal of Women's Studies*, 16(2), 50-65. [\[Link\]](#)
- Merleau-Ponty, M. (2005). *Phenomenology of perception*. Routledge.
- Mohammadi, F., & colleagues. (2022). Challenges faced by female heads of households in Iran: A sociological perspective. *Iranian Sociological Review*, 20(1), 30-45. [\[Link\]](#)
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2019). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. Guilford Press. [\[Link\]](#)
- Sharifi, N. (2022). The impact of cultural beliefs on the meaning in life of female heads of households. *Journal of Cultural Studies*, 17(3), 88-102. [\[Link\]](#)
- Smith, J., & colleagues. (2023). Spirituality, religious beliefs, and social connections in fostering purpose among female heads of households. *Journal of Positive Psychology*, 38(4), 123-138. [\[Link\]](#)
- Yousefi, A. (2009). Social and cultural diversity in Isfahan: A sociological analysis. *Iranian Journal of Urban Studies*, 8(2), 15-28. [\[Link\]](#)